

بررسی محتوا و بسامد واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های عامیانه

دوسیران (ص ۹۳-۱۱۹)

راضیه موسوی‌خو (نویسنده مسئول)، عهده‌رئیس^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

ضرب‌المثل‌ها سخنان کوتاهی هستند که دربردارنده پندهای اخلاقی و اجتماعی‌اند و برای تأکید و تأثیر بیشتر سخن استفاده می‌شوند. مردم دوسیران نیز، گاهی در گفته‌های خود برای تأکید و تأثیر بیشتر و زیبایی سخن، از ضرب‌المثل‌ها استفاده می‌کنند. روستای دوسیران در ۵۰ کیلومتری شمال غرب کازرون در بخش کوهمره فارس قرار دارد. در این پژوهش، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های عامیانه دوسیران، از منظر محتوا و بسامد اصطلاحات و واژگان، بررسی شده‌اند تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: فراوانی اصطلاحات و واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران چگونه است؟ بیشترین و کمترین فراوانی مربوط به کدام واژگان است و نشان‌دهنده چیست؟ محتوای کلی ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران چیست؟ داده‌های این پژوهش با تحقیقات میدانی جمع‌آوری شده است. ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیرانی، دو دسته‌اند: مثل‌ها و چیستان‌های فارسی که به گویش دوسیرانی بیان می‌شوند؛ و آن‌هایی که خاص منطقه دوسیران‌اند. محتوای مثل‌ها، که بیانی استعاری و گاه کنایی دارند، تعلیمی و اندرزی است. بیشترین فراوانی واژگان به ترتیب مربوط به واژگان مرتبط با عناصر طبیعت، اعضای بدن و حیوانات است که از تأثیر شیوه معیشتی، دامداری و زیست‌بوم جغرافیایی این روستا در شکل‌گیری عناصر فرهنگ عامه نشان دارد. صعب‌العبور بودن این روستا سبب شده که کم‌بسامدترین واژگان، نام اقوام و شهرها و مشاغل باشد.

کلمات کلیدی: ضرب‌المثل، چیستان، فرهنگ عامه، روستای دوسیران، ادب محلی.

۱. دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: humamusavi66@gmail.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولایت ایرانشهر، ایرانشهر، ایران. Email: ahdiyehraisi@gmail.com



۱. مقدمه

فرهنگ عامه (popular culture) یا فولکلور (folklore)، بخش بزرگی از فرهنگ و ادب هر ملت و قومی را به خود اختصاص می‌دهد و دارای زیرمجموعه‌ها و عناصر برجسته‌ای از جمله آداب و رسوم، آیین‌ها و باورهایی است که نه تنها از گذشته‌های دور با زندگی و روح انسان‌ها درآمیخته بوده است؛ بلکه بسیاری از رفتارهای امروزی ما نیز در آن ریشه دارد. امروزه فرهنگ عامه در بسیاری از نقاط دنیا به عنوان دانشی مستقل مورد توجه قرار گرفته است؛ چرا که با مطالعه آن می‌توان بازتاب روحیات، خلیات و آرزوهای هر ملتی را که در اعماق جامعه ریشه دارد مشاهده کرد.

فولکلور که در زبان فارسی به فرهنگ مردم، فرهنگ عامه، دانش عوام، فرهنگ توده و غیره ترجمه گردیده است، اولین بار به وسیله ویلیام جان تامز (William John Thoms) انگلیسی (۱۸۴۶ میلادی) عنوان شد. از نظر وی، این واژه ناظر بر پژوهش‌هایی بود که باید در زمینه عادات، آداب و مشاهدات، خرافات و ترانه‌هایی که از ادوار قدیم باقی مانده‌اند، صورت می‌گرفت (پراپ، ۱۳۷۱: ۶). استریناتی (D. Esterinati) نیز در کتاب خود تصریح می‌کند تعریفی که او از فرهنگ عامه دارد تعریفی است که هبیدیژ (D. Hebdige) آن را ارائه کرده است. «فرهنگ عامه همان چیزی است که در یک مجموعه از بدایع ساخت بشر که به طور عمومی در دسترس هستند، وجود دارد. فیلم، نوار، موسیقی، پوشاک، برنامه‌های تلویزیونی، وسایل حمل و نقل و...» (استریناتی، ۱۳۸۰: ۱۸).

در تقسیم‌بندی عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ عامه، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها نقش بسزایی دارند و بخش جداناپذیری از هر زبان به شمار می‌آیند. ضرب‌المثل‌ها تقریباً در همه زبان‌ها و گویش‌ها استفاده می‌شوند. «استفاده از امثال سایره به عنوان چاشنی سخن و زیبایی کلام و استحکام بخشیدن به نیروی استدلال در نزد نویسندگان و گویندگان ادب فارسی، خاصه شعر در تمام ادوار ادبی رایج بوده و در محاورات عادی نیز همواره به کار رفته است؛ لذا سزاوار است کوشش و دقت خاصی در حفظ و ثبت آن‌ها صورت گیرد» (شکورزاده بلوری، ۱۳۷۲: ۷). مردم دوسیران نیز در گفتار خود همواره از ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها استفاده کرده‌اند که برخی از آن‌ها ساخته و پرداخته اذهان اهالی همین روستاست و تحت تأثیر شرایط جغرافیایی، محیطی و بومی این منطقه شکل گرفته‌اند.

مظفری و رستمی ابوسعیدی (۱۳۹۷)، ضرب‌المثل‌های جیرفتی را به دو گونه تقسیم می‌کنند: ضرب‌المثل‌هایی که معادل واژگانی در فارسی معیار دارند و ضرب‌المثل‌هایی که معادل واژگانی فارسی ندارند و می‌شود گفت که از لحاظ ساختارهای صرفی و نحوی، با زبان فارسی معیار تفاوت دارند (نک. مظفری و رستمی ابوسعیدی، ۱۳۹۷: ۱۳۲ و ۱۳۳). همین تقسیم‌بندی را می‌توان برای ضرب‌المثل‌های دوسیرانی نیز در نظر گرفت.

۱-۱. ضرورت پژوهش

با توجه به اقتضای زمان، فرهنگ عامه حاکم بر جامعه نیز تغییر می‌کند، پس دلهره نابودی برخی از مصادیق فرهنگ عامه اقوام وجود دارد؛ به همین خاطر در هر دوره باید به نحوی به جمع‌آوری و ثبت مصادیق متعدد فرهنگ عامه پرداخت. از سوی دیگر، تحولات بی‌درپی که در جوامع به وجود می‌آید، ممکن است باعث از بین رفتن برخی عناصر فرهنگی موجود در جامعه شود؛ در نتیجه ما ملزم به جمع‌آوری و گردآوری عناصر متعدد فرهنگ عامه موجود هستیم؛ قبل از اینکه زوال و نابودی آن‌ها را ببینیم. امید است که با جمع‌آوری ادبیات فولکلور و فرهنگ عامه روستاهای ایران که هر کدام گنجینه ارزشمندی از میراث با شکوه‌مان هستند، در حفظ و پاسداری آن‌ها کوشا باشیم و از فراموشی آن‌ها جلوگیری کنیم. یافته‌های این پژوهش، می‌تواند برای رشته‌هایی از جمله جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبیات فارسی و غیره مفید باشد.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- فراوانی اصطلاحات و واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران چگونه است؟
- ۲- بیشترین و کمترین فراوانی مربوط به کدام واژگان است؟
- ۳- بیشترین و کمترین فراوانی اصطلاحات و واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران نشان دهنده چیست؟
- ۴- محتوای کلی ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران چیست؟

۳-۱. روش پژوهش

در این پژوهش، محتوا و بسامد واژگان و اصطلاحات در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران بررسی شده است. داده‌های این تحقیق از طریق تحقیقات کتابخانه‌ای-میدانی و از طریق مصاحبه با برخی اهالی^(۱) این روستا در سال ۱۳۹۲ جمع‌آوری شده است. آمار و ارقام ارائه‌شده به استناد داده‌های شفاهی است و کوشش شده که طی گفتگو با اهالی دوسیران تمامی ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های محلی مستند شود. دوسیران روستای کوچکی است و جمع‌آوری کامل این داده‌ها امری دور از دسترس نیست. اما در صورتی هم که ضرب‌المثل یا چیستانی از قلم افتاده باشد، در نتایج کلی پژوهش تغییری حاصل نمی‌شود؛ چرا که اختلاف بسامد واژگان، در موارد بررسی‌شده در اکثر اوقات، بیش از دو مورد یا حتی بسیار بیشتر از آن است. تاکنون پژوهشی در زمینه فرهنگ عامه روستای دوسیران صورت نگرفته است.

۲. بحث

۱-۲. روستای دوسیران

دوسیران در ۵۰ کیلومتری شمال غرب کازرون در بخش کوهمره فارس واقع شده است. موقعیت دوسیران نسبت به نودان در فاصله پانزده کیلومتری شمال شرق منطقه نودان (مرکز کوهمره) واقع شده است. «کوهمره» (kohmareh) سلسله جبال وسیعی است در استان فارس که در آن روستاها و قبایل کوه‌نشین متعددی وجود دارد. امروزه طبق تقسیمات کشوری، بخش کوهمره نودان جزء شهرستان کازرون و کوهمره سرخی جزء بخش حومه شهرستان شیراز محسوب می‌شود (شهبازی، ۱۳۶۶: ۴۳). این منطقه کوهستانی است و هوایی معتدل و نسبتاً سرد دارد. محصولاتش عبارتند از: غلات، برنج، حبوبات، میوه و لبنیات. (نک. دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «دوسیران»). آب آشامیدنی و زراعی آن از چشمه‌سارهای متعدد تأمین می‌شود. شغل اهالی زراعت، باغبانی و گله‌داری است (نک. رزم‌آرا، ۱۳۳۰: ۱۹۶).

«منطقه کوهمره، بر اساس شواهد و اسناد پراکنده موجود، یکی از مناطق کهن مسکونی فارس است. آثار و سنگ‌نقش‌های موجود در تنگ شاپور (از جمله غار پاپور) قدمت این منطقه را به زمان ساسانیان می‌رساند» (شهبازی، ۱۳۶۶: ۲۰۲). معروف است که در زمان ساسانیان گروهی از مزدکیان برای فرار از کشتار به کوهمره پناه می‌برند و هم اکنون در غرب کوهمره سرخی کوهی به نام «مزدک» (به گویش محلی «مروک») خوانده می‌شود که گویا مأوای مزدکیان فراری بوده است (همان: ۲۰۶). ایل سرخی از طوایف لر فارس محسوب می‌شود. طوایف ششگانه سرخی، خود را لر می‌دانند و فرهنگ و گویش آن‌ها رنگ و بوی لری آمیخته با عناصر فرهنگ بومی دشتی و دشتستانی است (نک. همان).

۲-۲. ضرب‌المثل‌ها

امثال، سخنانی کوتاه دارای معنا و مفهوم خاص هستند و هر کدام از این سخنان، حکایت‌هایی را در خود جای داده‌اند و برای تأکید و تأثیر بیشتر استفاده می‌شوند. «ضرب‌المثل، جمله‌ای است کوتاه به نظم و نثر و دربردارنده پند و دستور اخلاقی و اجتماعی که با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و روانی، شنونده را در افکار عمیق فرو می‌برد» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۸۸).

مردم منطقه دوسیران نیز مانند سایر مناطق، گاهی در گفته‌های خود برای تأکید و تأثیر بیشتر سخن، از ضرب‌المثل استفاده می‌کنند و سخنان خود را زیباتر جلوه می‌دهند. اغلب ضرب‌المثل‌های دوسیرانی، همان مثل‌های فارسی هستند که به گویش دوسیرانی بیان می‌شوند؛ ولی برخی از آن‌ها خاص منطقه دوسیران‌اند که پیشینیان با توجه به شرایط محیطی خود گفته‌اند و به نسل‌های بعد منتقل شده است؛ به عنوان مثال، ضرب‌المثل «آزه را نباید در درخت نگه داشت» می‌تواند نشان‌دهنده شغل این مردم که

بررسی محتوا و بسامد واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها... (ص ۹۳-۱۱۹) --- راضیه موسوی خو و همکار ۹۷

اغلب باغداری است باشد. یا ضرب‌المثل‌های زیر نشان‌دهنده فراوانی الاغ در دوسیران است و این‌که الاغ رایج‌ترین حیوانی بوده که اغلب کارهای روزانه به وسیله آن انجام می‌شده است:

«خر لنگ بندیر هوشن: خر لنگ منتظر هُش است»، «خر پیر اُوسالِ رنگی: خر پیر و افسار رنگی»، «نه خر خُوسی نه خِیگ دِرس: نه خر خواهید، نه خِیک پاره شد»، «خر یه پُیی رَه نمی‌شو: خر یک پا راه نمی‌رود».

در ادامه تعدادی از ضرب‌المثل‌های دوسیرانی آورده شده و معادل فارسی آن‌ها از کتاب امثال و حکم دهخدا انتخاب و ذکر شده است. این ضرب‌المثل‌ها از نظر محتوایی، به دو دسته ضرب‌المثل‌های تعلیمی و اندرزی و ضرب‌المثل‌های کنایی که برای طعنه زدن به افراد یا مسائل گوناگون به کار برده می‌شده‌اند تقسیم می‌شوند.

۲-۱. ضرب‌المثل‌های تعلیمی و اندرزی

- آره نباید تی دار واَدَر. arra nabāyad tī dār vādara

برگردان: اژه را نباید در درخت نگه داشت.

معادل فارسی: کار را که کرد؟ آن که تمام کرد (دهخدا، ۱۳۸۲: ۳ / ۱۱۷۸).

کاربرد: به پایان رساندن کاری که شروع می‌کنیم.

- طنابِ مُفتِ آگِیرَتِ آمو خُتِ خَفَه کُه. tanābe moft a gīrot amū xot xafa ko.

برگردان: طناب مفت اگر گِیرت آمد خودت را خفه کن.

معادل فارسی: سنگ مفت، گنجشک مفت (همان: ۲ / ۹۹۳).

کاربرد: از مال مفت و مجانی باید نهایت استفاده را کرد.

- برادریمو بجا، دینارِ مو دُجا. barādarīmū bejā dīnāremū dojā.

برگردان: برادری ما به جا، دینارهایمان دو جا.

معادل فارسی: حساب حساب است کاکا برادر (همان: ۲ / ۶۹۴).

کاربرد: تمیز امور از یکدیگر و نیامیختن کارها درهم.

- گوشتِ روئِم می خُوَرَم منت قصابِ نِمی کِشَم.

gūšte rūnom mīxoram mennate qasāb nemīkešam.

برگردان: گوشت رانم را می‌خورم، منت قصاب را نمی‌کشم.

معادل فارسی: بار محنت خود به که بار منت خلق (همان: ۱/ ۳۵۹).

کاربرد: نباید منت کسی را کشید.

– اَو تَل هیچ وَق شری وانمبو. ow tal hīčvaq šerī vānembū.

برگردان: آب تلخ هیچ وقت شیرین نمی‌شود.

معادل فارسی: از مار نژاید جز مارپچه (همان: ۱/ ۱۴۶).

کاربرد: درمورد افراد بدذات به کار می‌رود که هیچ‌گاه اصلاح نمی‌شوند.

– خَر یِه پُیی زِه نِمی شو. xare ye poyī ra nemišū.

برگردان: خریک پا راه نمی‌رود.

معادل فارسی: مشورت ادراک و هشیاری دهد / عقل‌ها را عقل‌ها یاری دهد (همان: ۴/ ۱۷۱۵)

کاربرد: تشویق به اتحاد و همکاری.

– مار تا پا نَنسِه ری سَرُش نِمی زَنَدی. mār tā pā nanse rī saroš nemīzendī.

برگردان: مار تا پا روی سر مار نگذاری، نیش نمی‌زند.

معادل فارسی: مکن بد با کسی و بد میندیش کجا چون بد کنی بد آیدت پیش (همان: ۴/ ۱۷۲۲)

کاربرد: همیشه نتیجه بدکاری، بد دیدن است و نباید انتظار خوبی را داشت.

– نَکِرْدِه کار مَبَش پُی کار نونَل میَخ نِمی کُن کار.

nakerda kār mabaš poy kār nūnal mīxa nemīkon kār.

برگردان: کارنکرده را برای کار مبر، نان‌ها را می‌خورد و کار نمی‌کند.

معادل فارسی: نکرده کار مبر به کار (همان: ۴/ ۱۸۲۶).

کاربرد: برای انجام هرکاری باید از انسان‌های کارآزموده و باتجربه استفاده کرد.

– نون آ نونوا اُسو پِلتا لَتَش سَوْت بو. nūn a nūnvā oso beltā latoš sota bū.

برگردان: نان از نانوا بخر، بگذار نصفش سوخته باشد.

معادل فارسی: کار را به کاردان بسپارید (همان: ۳/ ۱۱۷۲).

کاربرد: استفاده از افراد باتجربه.

بررسی محتوا و بسامد واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها... (ص ۹۳-۱۱۹) --- راضیه موسوی خو و همکار ۹۹

- برد گُت آسی نَزَدَن هین. - barde got asī nazadan heyn.

برگردان: سنگ بزرگ برای نزدن است.

معادل فارسی: سنگی را که نتوان برداشت باید بوسید و گذاشت (همان: ۲ / ۹۹۴).

کاربرد: نباید کاری که از حد توان ما بالاتر است را بر عهده گرفت.

- دیوارِ خُسیدَه زنِ شَلِیتَه. - dīvāre xosīda zane šalīta.

برگردان: دیوار نم‌دیده، زن هیز.

معادل فارسی: از زن سلیطه، دیوار شکسته و سگ بی‌قلاده باید حذر کرد (همان: ۱ / ۷۱).

کاربرد: از کارهای مضر و خطرناک باید اجتناب کرد.

- شِلِه سه سفید وانمبو. - šale se safīd vānembū.

برگردان: پالان سیاه سفید نمی‌شود.

معادل فارسی: خوی بد در طبیعتی که نشست / نرود تا به وقت مرگ از دست (همان: ۲ / ۷۶۵).

کاربرد: تغییر ناپذیری خوی انسان‌های بد.

- دیگی که سَهم ما آتوش نی بِلتا هر چش ما وایو.

dīgī ke sahme mā atūš nī beltā har češ mā vābū.

برگردان: دیگی که سهم ما در آن نیست بگذار هرچه می‌خواهد بشود.

معادل فارسی: دیگی که برای ما نمی‌جوشد، سر سگ تویش بجوشد (همان: ۲ / ۸۵۰).

کاربرد: بی‌توجهی به کاری که در آن دخالتی نداشته‌ایم.

۲-۲-۲. ضرب‌المثل‌های کنایی

- دید طرفِ آدم پیل‌دار می‌شو. - dīd tarafe ādame pīldār mīšu.

برگردان: دود به سمت آدم پول‌دار می‌رود.

معادل فارسی: آب به آبادانی می‌رود (همان: ۱ / ۳).

کاربرد: کنایه از فرد خوشبخت که در هر شرایطی شانس با او همراه است.

- کَهرِ نَکُشته بی‌بی می‌شو کُم گُشته. - kahre nakošta bībī mīšu kom gošna.

برگردان: گوسفندِ نکشته، بی‌بی شکم گرسنه می‌رود.

معادل فارسی: مسجد را نساخته، کور عصایش را زد (همان: ۱۷۱۰/۴).

کاربرد: کنایه از کاری که هنوز صورت نگرفته باشد ولی درمورد آن نقشه‌های زیادی کشیده باشند.

- نه خر خُوسی نه خِیگِ دِرس. na xar xowsī na xīg deres.

برگردان: نه خر خواهید، نه خیک پاره شد.

معادل فارسی: نه خری افتاده، نه خیکی دریده (همان: ۱۸۴۸/۴).

کاربرد: کنایه از زمانی که هیچ کاری پیش نمی‌رود.

- مارِ زیرِ شُم. māre zīre šom.

برگردان: مار زیر گل.

معادل فارسی: آب زیر کاه (همان: ۷/۱)

کاربرد: کنایه از اشخاص مرموز و موزی مخفی‌کار.

- می‌گین موری کوئش نی. mīgīn mūrī kūnoš nī.

برگردان: می‌گویند مورچه کون ندارد.

معادل فارسی: فلفل مبین که ریز است، بشکن ببین چه تیز است (همان: ۱۱۴۷/۲).

کاربرد: کنایه از چیزهای بی‌ارزش و کوچک که دارای خاصیت زیاد هستند.

- خُروس کونِ مرغِ مَنِسه می‌گو پَند آدمی کورن.

xorūs kūne morq mense mīgū pande ādamī kuren.

برگردان: خروس با مرغ جفت‌گیری می‌کند، می‌گوید چشم انسان کور است.

معادل فارسی: کبک است سرش را زیر برف می‌کند. (دهخدا، ۱۳۸۲: ۳/۱۱۹۰)

کاربرد: کنایه از کسی که کار ناشایستی انجام می‌دهد و گمان می‌کند که دیگران متوجه نمی‌شوند.

- باوا مُرده خُو می‌شو کُم گُشته خُو نمی‌شو.

bāvā morda xow mīšu kom gošna xow nemīšū.

برگردان: پدرمُرده خواب می‌رود، شکم گرسنه خواب نمی‌رود.

معادل فارسی: داغ شکم از داغ عزیزان بدتر است (همان: ۷۷۱/۲)

کاربرد: کنایه از افراد فقیر و گرسنه که گرسنگی و فقر دردی بزرگ برای آن‌هاست.

بررسی محتوا و بسامد واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها... (ص ۹۳-۱۱۹) --- راضیه موسوی خو و همکار ۱۰۱

- آتی چُل در مُره مَنِسِه تی چُمبِه. atī čol dar more mense tī čomba.

برگردان: از سنگ‌ریزه بیرون می‌آورد، در سنگ بزرگ می‌گذارد.

معادل فارسی: از چاله درآمد و به چاه افتاد (همان: ۱/ ۱۲۱)

کاربرد: کنایه از زمانی که از امری سخت به شرایط سخت‌تری دچار شویم.

- خَر پیر اُوسالِ رنگی. xare pīr osāle rangī.

برگردان: خر پیر، افسار رنگی.

معادل فارسی: آخر پیری، معرکه‌گیری (همان: ۱/ ۱۹)

کاربرد: کنایه از زمانی که انسان پیر، کاری را که متناسب با سنش نیست انجام دهد.

- خَر لنگ بَندیرِ هُشن. xare lang bandīre hošen.

برگردان: خر لنگ منتظر هُش است.

معادل فارسی: تا نباشد چوب تر فرمان نبرد گاو و خر (همان: ۱/ ۵۳۸)

کاربرد: کنایه از افراد تبیل که منتظرند دیگران به آن‌ها بگویند کارهایشان را انجام دهند.

- پَنجِه نَکَن زیرِ چُشت. penja nakon zīre češot.

برگردان: انگشت زیر چشمت نکند.

معادل فارسی: انگشت نما شدن از حیث بدی (همان: ۱/ ۳۰۸)

کاربرد: کنایه از زشتی و رسوایی.

- زوَرُش آگاه نِمی‌رِسِه پُی گوسالَه می‌شَکِنِه.

zūroš a gā nemīrase poye gūsāla mīškane.

برگردان: زورش به گاو نمی‌رسد پای گوساله را می‌شکند.

معادل فارسی: زورش به خر نمی‌رسد، پالانش را می‌زند (همان: ۲/ ۹۲۹)

کاربرد: کنایه از افرادی که توان مقابله با شخص قوی‌تر را ندارند و در عوض اشخاص با اشخاص ضعیف‌تر مقابله می‌کنند.

- اِگر شاخِ گا اَری خَر بی دنیا زِیِر و زَبَر بی.

agar šāxe gā arī xar bī donya zīro zabar bī.

برگردان: اگر شاخ گاو روی خر بود، دنیا زیر و رو بود.

معادل فارسی: خدا خر را شناخت شاخش نداد (همان: ۵۳/۱)

کاربرد: کنایه از افرادی که جنبه و ظرفیت ندارند.

۳-۲. چیستان‌ها

چیستان‌ها نیز مانند ضرب‌المثل‌ها از جمله عناصر تشکیل‌دهنده فولکلور هستند که افراد اغلب برای سرگرمی و گذران اوقات فراغت، آن‌ها را ابداع می‌کنند. درواقع، چیستان‌ها همان‌گونه که از نامشان برمی‌آید؛ سؤالاتی معماگونه هستند که افراد به دنبال یافتن پاسخی برای آن‌ها هستند. «چیستان یکی از گونه‌های ادبی گفتاری یا نوشتاری است که با دو کلمه «چیست» و «آن» شروع می‌شود و شنونده یا خواننده باید به پرسشی که در چیستان پنهان است پاسخ درست بدهد» (جهانشاهی، ۱۳۷۷: ۳).

چیستان نیز در منطقه دوسیران و در بین اهالی این روستا رایج است. در مورد این چیستان‌ها اطلاعات زیادی در دست نیست؛ اما همین‌قدر می‌دانیم که چیستان از زمان‌های گذشته و در میان پیشینیان این منطقه وجود داشته و به عنوان نوعی سرگرمی به کار می‌رفته است. امروزه نیز در دوسیران در هنگام اوقات فراغت، چند نفر دور هم جمع می‌شوند و به گفتن چیستان و یافتن جواب آن می‌پردازند. اغلب چیستان‌های دوسیرانی برگرفته از مناطق اطراف است و از آن‌ها تاثیر گرفته است، ولی برخی از چیستان‌ها را نیز مردم دوسیران با کمک ذهن خلاق خود ساخته‌اند. آنان سعی کرده‌اند هر چیزی را که در اطراف وجود دارد در قالب چیستان بگنجانند و از اطرافیان بخواهند که در پی یافتن پاسخی برای آن باشند؛ از این رو، نام «وگشک: vogošak» به معنی «جست‌وجو کردن و یافتن» را برای چیستان انتخاب کرده‌اند.

- دوتی هوا چار ری زمین؟ ای خر بُزن. do tī havā čār rī zamīn ey xar bozen?

برگردان: دو در آسمان، چهار روی زمین؟ ای خر، بز است.

پاسخ: بُز که دو شاخ آن به سمت آسمان و چهار دست و پایش روی زمین است. (منظور از این چیستان این است که پاسخش خیلی راحت است و اگر جواب ندهی مثل خر نادانی!)

- عجایب خلقتی دیدم در این دشت؛ که نر خوابیده بود و ماده می‌گشت؟

ajāyeb xelqatī dīdam dar īn dašt, ke nar xābīde būdo māde mīgāšt?

برگردان: عجایب خلقتی دیدم در این دشت؛ که نر خوابیده بود و ماده می‌گشت؟

پاسخ: آسیاب

بررسی محتوا و بسامد واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها... (ص ۹۳-۱۱۹) --- راضیه موسوی خو و همکار ۱۰۳

توضیح: شکل ظاهری آسیاب‌های قدیمی آن گونه است که قسمت بالایی آن که بلند و دراز است را به مرد، و قسمت پایینی آن که گرد و سوراخ‌دار است را به زن تشبیه کرده‌اند. هنگام آسیاب کردن، قسمت پایینی آسیاب می‌چرخد و قسمت بالایی آن بی‌حرکت می‌ایستد.

- یِه تُنگِشِن دوازده لَغَشِن هر لَغی سی بَرگِن هر بَرگی یِه نو میَشِن؟
ye tongošen davāzda layāšen har laye sī bargaen har bargī ye nūmešen?

برگردان: درختی است که دوازده ساقه دارد، هر ساقه سی برگ و هر برگ یک اسم دارد.

پاسخ: سال

- چی تی چه هین می فَهَم چن، نمی فَهَم چن؟
čī tī če heyn mīfaman čen, nemīfahmam čen?

برگردان: چیزی درون چیز است، می دانم چیست، اما نمی دانم چیست؟

پاسخ: زن حامله

- قُرْقُرُو بُرْبُر بَنَدی نَهاشِن، چار چَشُو چار گُش هشت دَست و پاشِن.
qorqoro bor bor bandī nahāšen, čār češ čargošo hašt dasto pāšen?

برگردان: قُرْقُر و بُرْبُر، بندی بر آن است، چهار چشم و چهار گوش و هشت دست و پا دارد؟

پاسخ: مشکو (مشک مخصوص دوغ‌زنی)

- شو می گِردِه کُپَلو رَوَزَم می گِردِه کُپَلو خِستَه وانِمبو کُپَلو؟
šū mīgerde kopolū rūzam mīgerde kopolū xasta vānembū kopolū?

برگردان: شب می گردد کُپَلو، روز هم می گردد کُپَلو، خسته نمی شود کُپَلو؟

پاسخ: سایه

- دوتا دو لَتِن روزی چند بار می ریزه بهم هیچ کَموش پَس نمی شو؟
dotā do laten rūzi čan bār mīreze beham hīč kamūš pas nemīšū?

برگردان: دوتا دو نصف است، روزی چندبار می ریزد به هم، هیچ کدامش عقب نمی رود؟

پاسخ: دندان

- تَهْش اُ هین، و سَطُش چو هین، سرش تَش هین؟

tahoš o heyn vasatoš čū heyn saroš taš heyn?

برگردان: ته آن آب است، وسطش چوب است، سرش آتش است؟

پاسخ: قلیان

- یکی ش بشو، یکی ش موند، یکی ش خوشش می لرزند؟

yekīš bošū yekīš mūd yekīš xošoš mīlarzond?

برگردان: یکیش رفت، یکیش ماند، یکیش خودش می لرزاند؟

پاسخ: آب و سنگ و علف.

- آ دیر آمدی آهی، از دل اُمکشی آهی، ای ترک تیراندازی، بر هم زده شیرازی؟

a dīr āmadī āhī, az del om-kešī āhī, ey torke tīrandāzī, barham zade šīrāzī?

برگردان: از دور آمدی آهی، از دل کشیدم آهی، ای ترک تیراندازی، بر هم زدی شیرازی؟

پاسخ: تفنگ

نافم سرِ نافَت، درازم تی فراغت، تر می زَنم خشک می کِشم.

nāfom sare nāfot, derāzom tī ferāyot, tar mīzenam xošk mīkešam?

برگردان: نافم روی ناف تو، درازم در گشاد تو، خیس وارد می کنم، خشک بیرون می آورم؟

پاسخ: نانوایی

توضیح: در این چیستان از زبانی استعاری و تا حدودی رکیک استفاده شده است. نافم روی ناف تو، می تواند به معنی قرار گرفتن خمیر نان بر خمیرپهن کن باشد، درازم در گشاد تو، اشاره به وارد کردن خمیرپهن کن به تور نانوایی دارد. خیس وارد می کنم نیز اشاره به خمیر نان خیس پیش از پختن و خشک بیرون می آورم اشاره به نان پخته شده دارد.

hame čī zīroš rad vāmbū.

- همه چی زیرش رد وامبو؟

برگردان: همه چیز زیرش رد می شود؟

پاسخ: قلم

- حکم خدا و حکم بنده آری تش یخ می بنده؟

mībanbe. hokme xodā vo hokme bande arī taš yax

برگردان: حکم خدا و حکم بنده، روی آتش یخ می بندد؟

پاسخ: تخم مرغ

بررسی محتوا و بسامد واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها... (ص ۹۳-۱۱۹) --- راضیه موسوی خو و همکار ۱۰۵

توضیح: یعنی به حکم و اراده خدا و بنده خدا، تخم مرغ که مایع است بر روی آتش و موقع پختن، سفت می‌شود و به عبارتی انگار یخ می‌بندد.

نه دست داره نه پا داره، کُم دَرَدِه حال نداره؟

na das dāre na pā dāre kom darede hāl nadāre?

برگردان: نه دست داره نه پا داره، شکم‌دریده حال نداره؟

پاسخ: پیراهن آستین کوتاه

توضیح: پیراهن آستین کوتاه، به دلیل اینکه آستین بلند ندارد بدون دست توصیف شده است و به دلیل اینکه شلوار نیست که پاچه داشته باشد نیز بدون پا توصیف شده است. از آن جهت که در وسط آن نیز دکمه‌هایی وجود دارد که باز می‌شود صفت شکم‌دریده برای آن آورده شده است.

īna čen mīšen, deyšū qūčen?

- این چن می‌شین، دیشو قوچن؟

برگردان: این چیست میش است، مادرش قوچ است؟

پاسخ: حوّا (منظور نامشخص بودن پدر و مادر حوّا است)

domoš a pasa molešen?

- دُمُش آ پَس مُلِشَن؟

برگردان: دُمُش در پشت شانه‌اش است؟

پاسخ: قوچ کوهی

sage zardī pase bardī?

- سگ زردی پَس بُردی؟

برگردان: سگ زردی پشت سنگی؟

پاسخ: تفنگ

- آ قَشَنگی قَشَنگِن، پُر گلِ رَنگارَنگِن، وَسَطُش سوراخِن، دیدگاه شکارن؟

a qašangī qašangen, pore gol rangārangen, vasatoš sūrāxen, dīdegāhe šekāren?

برگردان: از قشنگی قشنگ است، پر از گل رنگارنگ است، وسطش سوراخ است، دیدگاه شکار است؟

پاسخ: دَفَک (پارچه‌ای که کبک را با آن فریب می‌دهند و شکار می‌کنند.)

۳-۲. تحلیل ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها

فرهنگ عامه هر قوم، جزوی از میراث ارزشمند ملت‌ها به شمار می‌آید که می‌بایست در حفظ و پاسداشت آن‌ها کوشید؛ چراکه روز به روز، توجه به زبان‌ها، گویش‌ها و فرهنگ‌های بومی کمتر شده و خطر نابودی آن‌ها بیشتر حس می‌شود. فرهنگ عامه دوسیران نیز از این قاعده مستثنا نیست. ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها، بخش مهمی از فرهنگ عامه هر قومی هستند که نشانگر ویژگی‌های زبانی، فرهنگی و قومی مردم آن منطقه هستند. ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران به دو گروه بخش می‌شوند: آن دسته که در زبان فارسی، معادل و کاربرد دارند و آن دسته که خاص منطقه دوسیران هستند. همچنین ضرب‌المثل‌ها یا کاربرد استعاری دارند یا کاربرد کنایی. در این بخش، به بررسی لحن و بیان و محتوا در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران پرداخته خواهد شد.

۱-۳-۲. لحن در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران

ضرب‌المثل‌ها نیز مانند دیگر گونه‌های زبان، انواع مختلفی دارند. «مَثَل‌ها از نظر بیان و لحن به چهار دسته طنزآمیز و لطیفه‌دار، مَثَل‌هایی که لحن جدی و معمولی دارند، مَثَل‌هایی با لحن مستهجن و رکیک و مَثَل‌های گفتگویی مانند به شتر گفتند گردنت کج است. گفت: کجایم راست است، تقسیم می‌شوند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۱۵). ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های محلی دوسیران نیز از این حیث قابل تقسیم بندی‌اند. در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران، بیان و لحن طنزآمیز و لطیفه‌دار، لحن جدی و معمولی و لحن مستهجن و رکیک دیده می‌شود ولی خبری از مَثَل‌ها و چیستان‌های گفتگویی نیست. در ادامه، برای نشان دادن انواع لحن در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران، جدول‌هایی آمده و در نمودارهایی بسامد آن‌ها با هم سنجیده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، بسامد لحن جدی و معمولی و لحن طنزآمیز و لطیفه‌دار در ضرب‌المثل‌های دوسیران برابر است و لحن مستهجن و رکیک نیز در رتبه سوم قرار دارد. بیشترین بسامد لحن در چیستان‌ها نیز مربوط به لحن جدی و معمولی و سپس مربوط به لحن طنزآمیز و لطیفه‌دار است.

۱-۱-۳-۲. لحن طنزآمیز و لطیفه‌دار در ضرب‌المثل‌های دوسیران

در جدول زیر ضرب‌المثل‌هایی که دارای لحن طنزآمیز و لطیفه‌دار هستند، ارائه شده‌اند.

دوسیرانی	برگردان فارسی
dīd tarafe ādame pīdār mīšu	دود طرف آدم پولدار می‌رود.
kahre nakošta bībī mīšu kom gošna.	گوسفند نکشته، بی‌بی می‌رود شکم گرسنه.
tanābe moft a gīrot amū xot xafa ko.	طناب مفت اگر گيرت آمد خودت را خفه کن.
mīgīn mūrī kūnoš nī.	می‌گویند مورچه کون ندارد.
xorūs kūne morq mense mīgū pande ādamī kūren.	خروس با مرغ جفت‌گیری می‌کند، می‌گوید چشم انسان کور است.
bāvā morda xow mīšu kom gošna xow nemīšū.	پدرمُرده خواب می‌رود، شکم گرسنه خواب نمی‌رود.
xare pīr osāle rangī	خر پیر، افسار رنگی.
xare lang bandīre hošen.	خر لنگ منتظر هُش است.
nakerda kār mabaš poy kār nūnal mīxa nemīkon kār.	کارنکرده مبر برای کار، نون‌ها را می‌خورد نمی کند کار.
zūroš a gā nemīrase poye gūsāla mīškane.	زورش به گاو نمی‌رسد پای گوساله را می‌شکند.
agar šāxe gā arī xar bī donya zīro zabar bī.	اگر شاخ گاو روی خر بود دنیا زیر و رو بود.
gūšte rūnom mīxoram mennate qasāb nemīkešam.	گوشت رانم را می‌خورم، منت قصاب را نمی‌کشم.
nūn a nūnvā oso beltā latoš sota bū.	نان از نانوا بخر بگذار نصفش سوخته باشد.

۲-۱-۳-۲. لحن جدی و معمولی در ضرب‌المثل‌های دوسیران

در جدول زیر ضرب‌المثل‌هایی که دارای لحن جدی و معمولی هستند، ارائه شده‌اند.

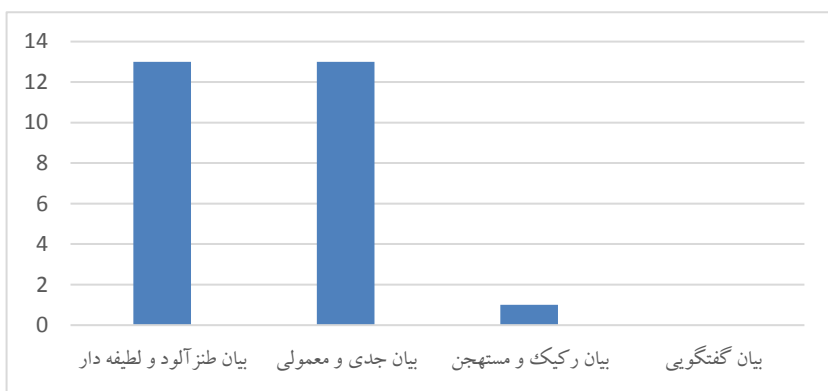
دوسیرانی	برگردان فارسی
na xar xowsī na xīg deres.	نه خر خوابید نه خیک پاره شد.
māre zīre šom.	مار زیر گل.
arra nabāyad tī dār vādara.	اژه را نباید در درخت نگه داشت.
barādarīmū bejā dīnāremū dojā.	برادری ما به جا، دینارهایمان دو جا.
atī čol dar more mense tī čomba.	از سنگ‌ریزه بیرون می‌آورد، می‌گذارد در سنگ بزرگ.
xare ye poyī ra nemišū.	خر یک پا راه نمی‌رود.
penja nakon zīre češot.	انگشت نکند زیر چشمت.
mār tā pā nanse rī saroš nemīzendī.	مار تا پا نگذاری روی سرش نمی‌زند.
dīvāre xosīda zane šalīta.	دیوار نم‌دیده، زن هیز.
barde got asī nazadan heyn.	سنگ بزرگ برای نزدن است.
vānembū. šale se safīd	پالان سیاه سفید نمی‌شود.
dīgī ke sahme mā atūš nī beltā har češ mā vābū.	دیگی که سهم ما در آن نیست، بگذار هرچه می‌خواهد بشود.
ow tal hīčvaq šerī vānembū.	آب تلخ هیچ وقت شیرین نمی‌شود.

۳-۱-۲. لحن رکیک در ضرب‌المثل‌های دوسیران

در جدول زیر یکی از ضرب‌المثل‌هایی که دارای لحن مستهجن و رکیک است ارائه شده است.

دوسیرانی	برگردان فارسی
mīgīn mūrī kūnoš nī.	می‌گویند مورچه کون ندارد.

نمودار بسامد لحن و بیان در ضرب‌المثل‌های عامیانه دوسیران



۴-۱-۲. لحن طنزآمیز و لطیفه‌دار در چیستان‌های دوسیران

در جدول زیر چیستان‌هایی که دارای لحن طنزآمیز و لطیفه‌دار هستند، ارائه شده‌اند.

دوسیرانی	برگردان فارسی
do tī havā čār rī zamīn ey xar bozen?	دو در آسمان، چهار روی زمین، ای خر بز است؟
šū mīgerde kopolū rūzam mīgerde kopolū xasta vānembū kopolū?	شب می‌گردد کُپلو، روز هم می‌گردد کُپلو، خسته نمی‌شود کُپلو؟
nāfom sare nāfot derāzom tī ferāqot tar mīzenam xošk mīkešam?	نافم روی ناف تو، درازم در گشاد تو، خیس وارد می‌کنم، خشک بیرون می‌آورم؟
na das dāre na pā dāre kom darede hāl nadāre?	نه دست داره نه پا داره شکم دریده حال نداره؟

۲-۳-۱-۵. لحن جدی و معمولی در چیستان‌های دوسیران

در جدول زیر چیستان‌هایی که دارای لحن طنزآمیز و لطیفه‌دار هستند، ارائه شده‌اند.

دوسیرانی	برگردان فارسی
hame čī zīroš rad vāmbū.	همه چیز زیرش رد می‌شود؟
ye tongošēn davāzda laqašen har laqe sī bargeh har bargī ye nūmešen?	یک درخت است دوازده ساقه دارد هر ساقه سی برگ است هربرگی یک اسم دارد.
čī tī če heyn mīfaman čen nemīfahmam čen?	چیزی درون چیز است، می‌دانم چیست، اما نمی‌دانم چیست؟
čār češ čārgoš hašt dasto pāšen? qorqoro bor bor bandī nahāšen	قُرُقُر و بُرُبر، بندی بر آن است، چهار چشم و چهار گوش هشت دست و پا دارد؟
dotā do laten rūzi čan bār mīreze beham hīč kamūš pas nemīšū?	دوتا دو نصف است، روزی چندبار می‌ریزد به هم، هیچ کدامش عقب نمی‌رود؟
tahoš o heyn vasatoš čū heyn saroš taš heyn?	ته آن آب است، وسطش چوب است، سرش آتش است؟
a dīr āmadī āhī, az del om-kešī āhī, ey torke tīrandāzī, barham zade šīrāzī?	از دور آمدی آهی، از دل کشیدم آهی، ای ترک تیراندازی، بر هم زدی شیرازی؟
hokme xodā vo hokme bande arī taš yax mībanbe.	حکم خدا و حکم بنده روی آتش یخ می‌بندد؟
īna čen mīšen deysū qūchen?	این چیست میش است، مادرش قوچ است؟
domoš a pasa molešen?	دمش در پشت شاه‌اش است؟
sage zardī pase bardī?	سگ زردی پشت سنگی؟

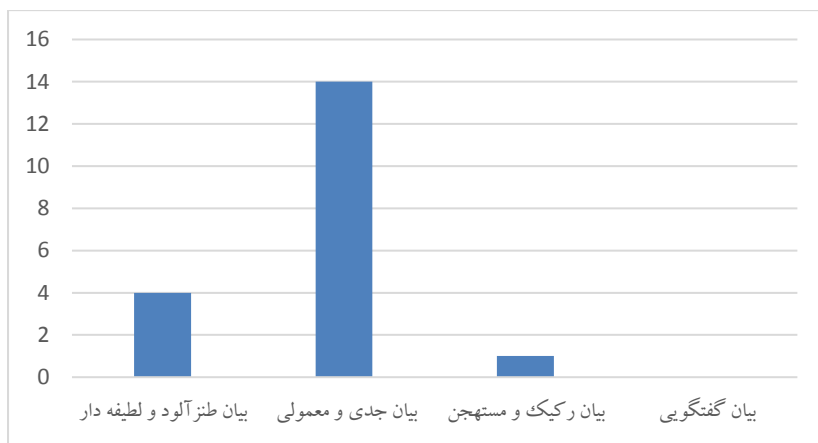
a qašangī qašangen pore gol rangārangēn vasatoš sūrāxen dīdegāhe šekāren?	از قشنگی قشنگ است، پراز گل رنگارنگ است، وسطش سوراخ است، دیدگاه شکار است؟
yekīš bošū yekīš münd yekīš xošoš mīlarzond?	یکیش رفت، یکیش ماند، یکیش خودش را می‌لرزاند؟
ajāyeb xelqatī dīdam dar īn dašt, ke nar xābīde būdo māde mīgašt?	عجایب خلقتی دیدم در این دشت ؛ که نر خوابیده بود و ماده می‌گشت؟

۲-۳-۱. لحن رکیک در چیستان‌های دوسیران

در جدول زیر، یکی از چیستان‌های دارای لحن مستهجن و رکیک، ذکر شده است.

دوسیرانی	برگردان فارسی
nāfom sare nāfot derāzom tī ferāqot tar mīzenam xošk mīkešam?	نافم روی ناف تو، درازم در گشاد تو، خیس وارد می‌کنم، خشک بیرون می‌آورم؟

نمودار بسامد لحن و بیان در چیستان‌های عامیانه دوسیران



۳-۳-۲. اصطلاحات و واژگان به کاررفته در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها

ویژگی‌های اقلیمی، جغرافیایی، طبیعی و فرهنگی، باعث پیدایش ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های خاصی در هر منطقه می‌شود. بررسی بسامد واژگان و اصطلاحات خاص به کاررفته در فرهنگ عامه هر منطقه می‌تواند به شناخت جوانب مختلف زندگی اهالی آن کمک کند. در ادامه این پژوهش، بسامد واژگان و اصطلاحات به کار رفته در این بخش از فرهنگ عامه دوسیران با هدف شناخت بهتر ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و محیطی این قوم بررسی شده است. از جمله اصطلاحات و واژگان به کار رفته در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۳-۳-۲. واژه‌ها و اصطلاحات مرتبط با عناصر طبیعی

این واژه‌ها در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها از کاربرد بسیار بالایی برخوردارند و در مجموع ۲۷ بار به کار رفته‌اند. مانند درخت (سه بار)، آسمان، زمین، سنگ‌ریزه و سنگ بزرگ (پنج بار)، سایه، گِل، دود، گُل، آتش (دو بار)، یخ، آب (دو بار)، چوب، علف، شب، روز، ساقه (دو بار) و برگ (دو بار). سنگ با ۵ و درخت با ۳ بار تکرار، بیشترین بسامد را دارند.

۲-۳-۳-۲. واژه‌ها و اصطلاحات مرتبط با اعضا و جوارح بدن

این واژه‌ها در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران، بسامد بسیار بالایی دارند به طوری که در کل، ۲۵ بار از آن‌ها نام برده شده است که دوازده مورد مربوط به ضرب‌المثل‌ها و سیزده مورد مربوط به چیستان‌ها می‌شود. چشم (سه بار)، شکم (سه بار)، ران، سر (چهار بار)، پنجه، دست (دو بار)، پا (پنج بار)، کون (دو بار)، دندان، ناف (دو بار) و شانه.

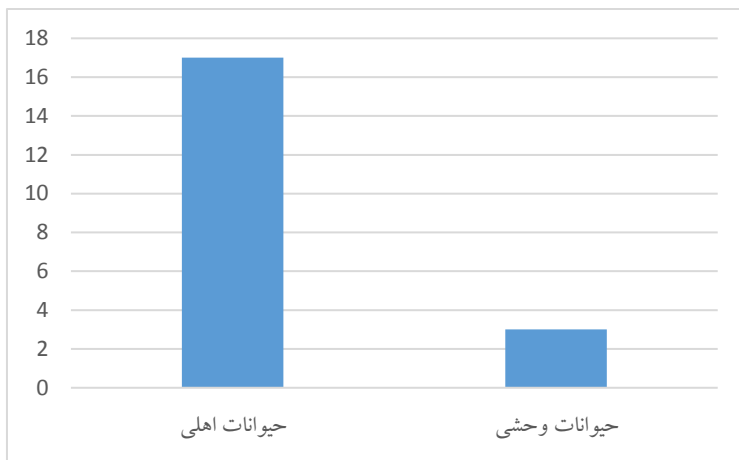
۳-۳-۳-۲. نام حیوانات

«ضرب‌المثل‌ها به عنوان برآیند درک گویشوران یک زبان، یک نگرش تاریخی از سبک زندگی و رویارویی آنان با چالش‌ها ارائه می‌کند و در این میان، حیوانات جایگاهی درخور، در این گونه ادبیات عامیانه دارند. نگاه به ضرب‌المثل‌های دربردارنده نام حیوانات، می‌تواند زمینه‌ساز بازنگری شیوه بهره‌گیری از آن‌ها در جوامع باشد» (علوی‌مقدم، ۱۳۹۸: ۱۱۱-۱۳۷). کاربرد نام حیوانات در ادب عامه دوسیران، در رتبه سوم فراوانی قرار دارد و نشانگر اهمیت دام‌ها و شیوه معیشتی مردم این روستاست. این حیوانات به دو گروه اهلی و وحشی تقسیم می‌شوند که در داده‌ها ۲۱ بار به کار رفته‌اند. از جمله این حیوانات می‌توان به حیوان وحشی مانند مار (دو بار) و سگ زرد و حیوانات اهلی مانند گوسفند، خر (هفت بار)، مورچه، خروس، مرغ، گاو (دو بار)، گوساله، میش، قوچ (دو بار) و بز اشاره کرد. بیشترین کاربرد مربوط به حیوانات اهلی است که از این میان، «خر» با شش بار تکرار (پنج بار در ضرب‌المثل‌ها و دو بار در

بررسی محتوا و بسامد واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها... (ص ۹۳-۱۱۹) --- راضیه موسوی خو و همکار ۱۱۳

چیستان‌ها) بیشترین کاربرد را دارد. علت کاربرد فراوان نام حیوانات اهلی در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران، شیوة معیشت اهالی این روستا و شغل دامداری در این منطقه است.

نمودار بسامد کاربرد حیوانات اهلی و وحشی در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های عامه دوسیران



حیوانات در ضرب‌المثل‌های دوسیران، گاه نمادی استعاری دارند. مانند مار که استعاره از شخص آسیب‌دیده است که به دیگران آسیب می‌رساند و یا نماد انسان آب زیر کاه است. مورچه استعاره از چیزهای به‌ظاهر بی‌ارزش ولی با خاصیت بسیار است، خر نماد کسی است که شرایط و اوضاع زمان خود را به خوبی درک نمی‌کند و متناسب با سن خود، رفتار نمی‌کند، خر لنگ نماد انسان تنبل است، خر یک‌پا نماد کسی است که در انجام امور دست‌تهداست و این نماد برای تشویق به اتحاد و همکاری به کار برده می‌شود، خر همچنین نماد انسان بی‌ظرفیت و بی‌جنبه نیز است و در مقابل او گاو نماد شخص باظرفیت است، گاو همچنین نمادی از قدرت است و در مقابل گوساله که نماد ضعف است قرار می‌گیرد. دیگر محتوای ضرب‌المثل‌هایی که نام حیوانات در آن‌ها به کار رفته شامل نکوهش تعجیل، اعتراض به گره افتادن در کارها و تقبیح کارهای ناشایست و بی‌توجهی به مردم است.

در چیستان‌ها نام خر دو بار، نام قوچ نیز دو بار و نام بز یک بار به کار رفته است، که در یکی از آن‌ها خر کاربرد استعاری دارد و نماد نادانی است.

۴-۳-۳-۲. واژه‌های مرتبط با لوازم خانه و کار

از نام برخی لوازم خانه و کار نیز مانند خیک، مشک، دیگ، قلیان، تخم مرغ، نان (دو بار)، قلم، دینار، اژه، تفنگ (دو بار)، دُفک، آسیاب، حنا، پیراهن، دیدگاه شکار و طناب در فرهنگ عامه دوسیران هجده بار استفاده شده است.

۵-۳-۳-۲. اعداد

اعداد در چیستان‌های دوسیران کاربرد زیادی دارد. اعداد یک (چهار بار)، دو (سه بار)، چهار (سه بار)، هشت، دوازده و سی در چیستان‌ها سیزده بار به کار رفته و در ضرب‌المثل‌ها تنها یک بار عدد دو استفاده شده است که روی هم رفته، تعداد آن‌ها به چهارده می‌رسد.

۶-۳-۳-۲. اعضای خانواده

همچنین اعضای خانواده بخشی از این ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها را می‌سازند که شش بار به کار رفته اند. مانند پدر، مادر، زن، بی‌بی و برادر که زن با دو بار تکرار بیشترین کاربرد را دارد.

۷-۳-۳-۲. واژه‌های مرتبط با اعضای بدن حیوانات و متعلقات آن

دم، شاخ، پالان و افسار، چهار مرتبه آمده است.

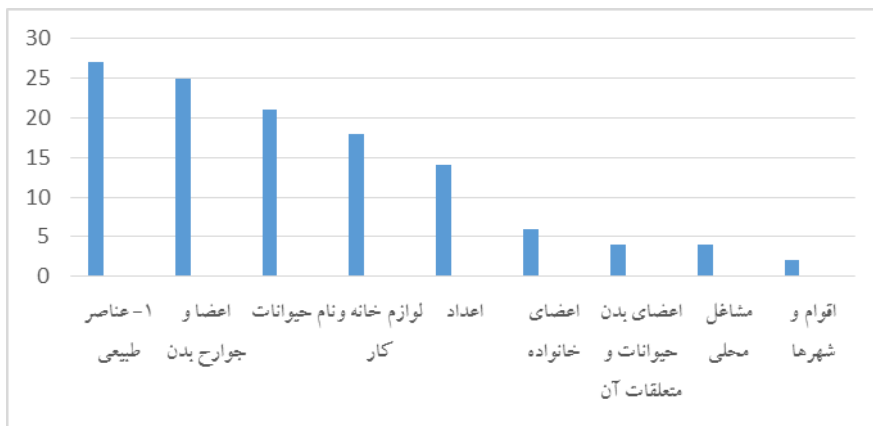
۸-۳-۳-۲. مشاغل

مشاغل محلی که مرتبط به شیوه معیشتی اهالی است نیز در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها یافت شد. همچون نانوا (دو بار)، قصاب و تیرانداز که در مجموع چهار بار به کار رفته‌اند. هر چند که به لوازم شکار اشاره شده است اما از شکارچی نامی به میان نیامده است.

۹-۳-۳-۲. نام اقوام و شهرها

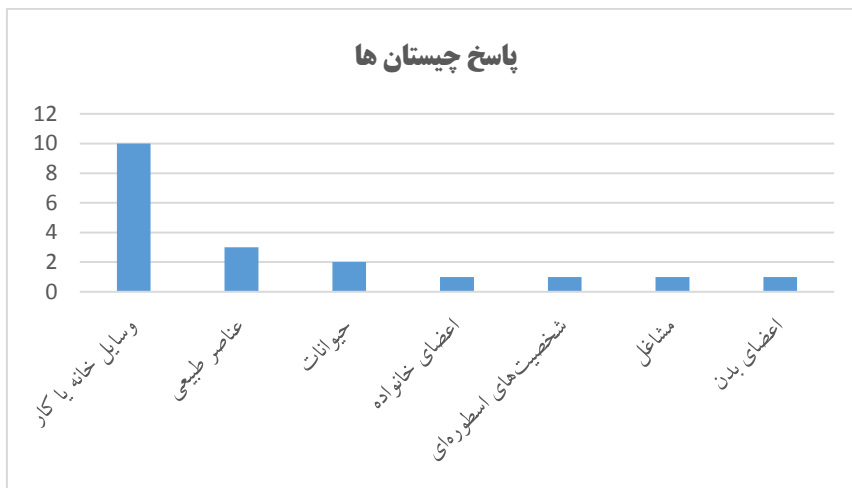
از میان اقوام و شهرها به ترک و شیراز اشاره شده است که کمترین بسامد را دارد.

نمودار بسامد کاربرد اصطلاحات و واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های عامیانهٔ دوسیران



با توجه به نمودار بالا، بیشترین بسامد کاربرد واژگان، نخست متعلق به اصطلاحات و واژگان مربوط به عناصر طبیعت، و سپس مرتبط با اعضا و جوارح بدن و نام حیوانات است. پس از آن اصطلاحات مربوط به لوازم خانه و کار، اعداد و اعضای خانواده بیشترین کاربرد را دارند. اعضای حیوانات و مشاغل محلی در رتبه‌های آخر قرار دارند و نام اقوام و شهرها کمترین بسامد را در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران دارند.

نمودار مقایسهٔ موضوعی پاسخ چیستان‌های عامیانهٔ دوسیران



پاسخ چیستان‌ها هم شامل وسایل خانه یا کار (ده مورد)، عناصر طبیعی (سه مورد)، حیوانات (دو مورد)، اعضای خانواده (یک مورد)، شخصیت‌های اسطوره‌ای (یک مورد)، مشاغل (یک مورد)، اعضای بدن (یک مورد) می‌شود که بیشترین فراوانی شامل لوازم کار و خانه است که لوازمی پرکاربرد در امور روزانه بوده‌اند و کمترین کاربرد مربوط به مشاغل و شخصیت‌های اسطوره‌ای می‌شود.

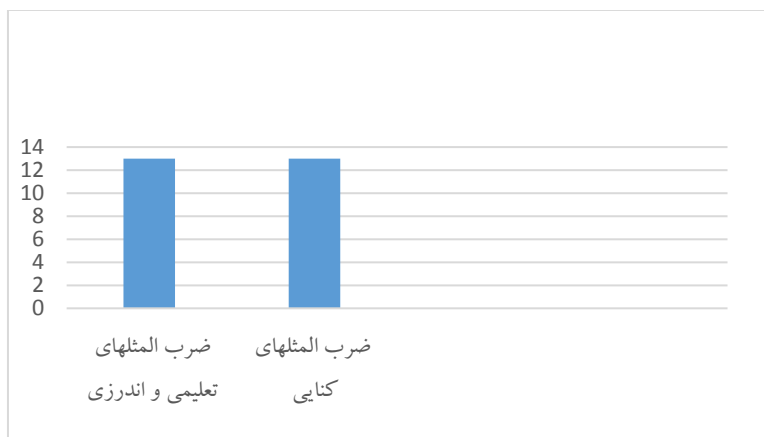
رابطه بین دوسیران و طبیعت، رابطه‌ای دو سویه است. مردم اغلب جشن‌ها، آیین‌ها و آداب و رسوم خود را در دل طبیعت برگزار می‌کنند، در درمان بیماری‌ها، از منابع طبیعی اطراف مثل گل‌ها و گیاهان استفاده می‌کنند، بازی‌های خود را دسته‌جمعی، صمیمانه و با استفاده از ابزارهای برخاسته از دل طبیعت مانند سنگ و چوب و غیره انجام می‌دهند، صنایع دستی خود را از چوب، سنگ، ساقه‌ی درختان، پوست حیوانات و غیره می‌سازند و این‌ها به دلیل کوهستانی بودن منطقه دوسیران است؛ چرا که کوه‌های سربه فلک کشیده، چهار سوی دوسیران را احاطه کرده است. در این کوه‌ها انواع گوناگون گیاهان دارویی و خوراکی می‌روید و حیوانات مختلفی زندگی می‌کنند که هر کدام از آن‌ها برای مردمان دوسیران استفاده‌های فراوانی دارند. از این روست که می‌توان چرایی حضور پررنگ عناصر طبیعت در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیرانی را دریافت. کوچک بودن روستا و نزدیکی خانه‌ها و کوچه‌ها به یکدیگر نیز باعث شده که ارتباط اهالی با دیگر مناطق کمتر شده، فرهنگ عامه این منطقه بیشتر در محدوده همین روستا خلق شود. همان‌طور که دیده می‌شود فرهنگ عامه دوسیران، بیشتر محدود به زندگی بسته روستایی اهالی آن است و نبود راه ارتباطی سهل و آسان روستا با دیگر مناطق، سبب شده است که واژه‌ها از درون فضای محدود عناصر طبیعی، اعضا و جوارح بدن، حیوانات، لوازم خانه و کار، اعداد و اعضای خانواده خارج نشود. و حتی واژه‌های مرتبط با اعضای حیوانات و مشاغل محلی در رتبه‌های آخر قرار دارند و نام اقوام شهرها کمترین بسامد را در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران دارد. در ضرب‌المثل‌های دوسیران یک بار از «زن» سخن به میان آمده است که آن‌هم با صفت منفی آمده است: «دیوار نم‌دیده، زن هیز» یعنی از این دو باید دوری کرد.

۲-۳-۴. محتوای ضرب‌المثل‌ها

محتوای کلی ضرب‌المثل‌ها به این شرح است: «ستایش بخت و شانس، نکوهش عجله کردن در کارها، گلایه از گره افتادن در کارها، استفاده از اموال مفت و رایگان، نکوهش افراد آب زیر کاه، تشویق به ایستادن روی پای خود و منت دیگران را نکشیدن، تشویق به اتمام امور و کارها، نکوهش فقر و گرسنگی، تشویق به در هم نیامیختن کارها و تمییز امور از یکدیگر، نکوهش بد ذاتی، نکوهش موقعیت‌سنج نبودن، نکوهش تبلی، تشویق به اتحاد و همکاری، نکوهش بدی کردن، تشویق به استفاده از افراد باتجربه و کارآزموده، اجتناب از برعهده گرفتن کارهای خارج از توان، نکوهش بی‌جنگی و بی‌ظرفیتی، تأیید تغییرناپذیری خوی انسان‌های بد.» همگی این مثل‌ها درون‌مایه تعلیمی و اندرزی دارند. برخی از

ضرب المثل‌ها هم کنایه‌هایی هستند که برای طعنه زدن به افراد مختلف به کار برده می‌شده‌اند. پس می‌توان ضرب المثل‌های دوسیران را از لحاظ محتوایی به دو گروه ضرب المثل‌های اندرزی و ضرب المثل‌های کنایی تقسیم‌بندی کرد. بسامد هر دو گروه نیز بر اساس نتایج به دست آمده با هم برابر است.

نمودار بسامد محتوا در ضرب المثل‌های دوسیران



۳. نتیجه‌گیری

ضرب المثل‌ها و چیستان‌ها از مصادیق مهم فرهنگ عامه هستند که در میان همه اقوام و ملت‌ها کاربرد دارند. برخی از آنها در میان اقوام و حتی ملت‌های گوناگون مشترک‌اند و برخی ممکن است خاص یک یا چند منطقه خاص باشد. موقعیت جغرافیایی، شیوه معیشتی، دین، زبان، فرهنگ و میزان ارتباط اهالی با دیگر مناطق، از جمله مواردی است که در شکل‌گیری فرهنگ عامه هر منطقه تأثیر بسزایی دارد. با بررسی بسامد واژگان و اصطلاحات به کاررفته در فرهنگ عامه هر منطقه می‌توان اطلاعات مهمی درباره آن منطقه و مردمانش به دست آورد. همچنین محتوای فرهنگ عامه، نشان‌دهنده اصول اخلاقی و ارزش‌ها و ضدارزش‌های هر منطقه است. محتوای بیشتر ضرب المثل‌های دوسیرانی، تعلیمی و اندرزی است و نیمی از ضرب المثل‌ها نیز بیانی کنایی دارند. بیشترین لحن به کاررفته در چیستان‌های دوسیرانی، ابتدا لحن جدی و معمولی و سپس بیان طنزآلود و لطیفه‌دار است. ولی در ضرب المثل‌ها بسامد لحن جدی و طنزآلود با هم برابر است که این امر می‌تواند نشانگر توجه اهالی این روستا به طنز و شوخی باشد.

بیشترین فراوانی واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیرانی، به ترتیب مربوط به عناصر طبیعت روستا، اعضا و جوارح بدن، نام حیوانات، لوازم کار و خانه، اعداد، اعضای خانواده، اعضای بدن حیوانات و متعلقات آن است و کمترین بسامد واژگان مربوط به مشاغل و اقوام و نام شهرهاست؛ یعنی هر چه از محدوده زندگی محدود روستا دورتر می‌شویم، بسامد واژگان کمتر می‌شود و بی‌شک صعب‌العبور بودن روستا و سختی ارتباط با دیگر مناطق می‌تواند یکی از دلایل این امر باشد. شیوه معیشتی اهالی دوسیران از دیرباز دامداری و کشاورزی بوده و همین عامل باعث کاربرد فراوان نام حیوانات و عناصر طبیعت در فرهنگ عامه آن شده است. از آنجا که در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های دوسیران تنها به قوم ترک و شهر شیراز اشاره شده است، می‌توان آن را دلیلی بر ارتباط کم اهالی این روستا با مناطق اطراف دوسیران دانست و علت اصلی آن موقعیت جغرافیایی این روستاست که در منطقه‌ای صعب‌العبور و کوهستانی قرار دارد یا شاید بتوان گفت بیشترین مرادۀ اهالی این روستا با قوم ترک و شهر شیراز بوده است.

بسامد اصطلاحات و واژگان، نشان‌دهنده زندگی محدود و بسته اهالی دوسیران، در محیط خانه و روستاست. به نوعی که کاربرد اعضای بدن و لوازم خانه و کار و حتی اعداد از بسامد واژگان مرتبط با اقوام، شخصیت‌های غیر بومی و تاریخی و اسطوره‌ای، شهرها و روستاهای دیگر و هرآنچه خارج از محیط بسته روستاست بیشتر است. بنابراین بررسی بسامد واژگان و اصطلاحات در فرهنگ عامه، می‌تواند راهی برای شناخت بیشتر فرهنگ، خلیقات، جغرافیا، شیوه معیشتی و زیست‌بوم هر منطقه باشد و بالعکس، فرهنگ، خلیقات، جغرافیا، شیوه معیشتی و زیست‌بوم هر منطقه بر شکل‌گیری فرهنگ عامه آن مؤثر است. همچنین بررسی محتوای فرهنگ عامه می‌تواند دیگران را با اصول اخلاقی و ارزش‌ها و ضد ارزش‌های هر منطقه آشنا سازد.

پی‌نوشت

۱- اهالی مصاحبه‌شونده عبارتند از:

رئیس، خدارحم، (دی ماه ۱۳۹۲)، کشاورز، بی‌سواد، ۵۸ ساله، قائمیه.

رئیس، شیروان، (دی ماه ۱۳۹۲)، کشاورز، بی‌سواد، ۶۴ ساله، دوسیران.

رئیس، مشهدی ریحان، (دی ماه ۱۳۹۲)، خانه‌دار، بی‌سواد، ۸۴ ساله، نورآباد.

رئیس، محمدرضا، (دی ماه ۱۳۹۲)، کشاورز، بی‌سواد، ۵۰ ساله، قائمیه.

عزیزی، شاه‌پری، (دی ماه ۱۳۹۲)، خانه‌دار، بی‌سواد، ۷۲ ساله، دوسیران.

عزیزی، شاه‌ولد، (دی ماه ۱۳۹۲)، کشاورز، بی‌سواد، ۷۵ ساله، قائمیه.

کریمی، سردار، (دی ماه ۱۳۹۲)، کشاورز، بی‌سواد، ۷۸ ساله، دوسیران.

متوسل‌زاده، زبیده، (دی ماه ۱۳۹۲)، خانه‌دار، بی‌سواد، ۷۰ ساله، قائمیه.

نادری، قمصور، (دی ماه ۱۳۹۲)، کشاورز، بی‌سواد، ۵۶ ساله، دوسیران.

بررسی محتوا و بسامد واژگان در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها... (ص ۹۳-۱۱۹) --- راضیه موسوی خو و همکار ۱۱۹
نادری، غلامرضا، (دی ماه ۱۳۹۲)، کشاورز، بی‌سواد، ۶۱ ساله، دوسیران.

منابع

- آرمان، علیرضا، علوی‌مقدم، مهیار، تسنیمی، علی، و الیاسی، محمود (۱۳۹۸). نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضرب‌المثل‌های برآمده از متون ادب فارسی. فرهنگ و ادبیات عامه، ۷(۲۶)، ۲۰۷-۲۴۰. doi: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.10.8
- استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه فرهنگ عامه. ترجمه ثریا پاک‌نظر. تهران: گام‌نو.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- جهانشاهی، ایرج (۱۳۷۷). چیستان‌ها. تهران: ناظمی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۸). امثال و حکم. تهران: امیرکبیر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۴). داستان‌های امثال. تهران: مازیار.
- رزم‌آرا، حسینعلی (۱۳۳۰). فرهنگ جغرافیایی ایران. جلد هفتم، تهران: چاپخانه ارتش.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۷۲). ده هزار مثل فارسی و پنج هزار معادل آن‌ها. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۰). انواع ادبی، تهران: باغ‌آینه.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۶۶). ایل ناشناخته (پژوهشی در کوه‌نشینان سرخی فارس). تهران: نشر نی.
- مظفری، مسلم، و رستمی ابوسعیدی، علی اصغر (۱۳۹۷). بررسی ضرب‌المثل‌های ادبیات محلی شهرستان جیرفت. ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین، ۸(۴)، ۱۲۹-۱۴۸. doi: 20.1001.1.2345217.1397.8.4.6.4